



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

پیشانی نیریز
پیشانی نیریز
پیشانی نیریز
پیشانی نیریز



پیشانی نیریز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشي نو پيرامون حديث كساي يمانی به روايت حضرت فاطمه زهرا (س)

نويسنده:

حيدر تربتي كربلايي

ناشر چاپي:

حبيب

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	پیش گفتار
۱۶	مقدمه اول: شبهه ها درباره حدیث کساء
۱۶	اشاره
۱۹	منابع حدیث کساء
۲۹	چگونگی صاحبان منابع حدیث
۳۴	نظم حدیث کسا
۳۷	چند نکته
۴۳	منابع، اسناد و راویان حدیث
۴۴	مقدمه دوم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها
۴۴	اشاره
۶۲	رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها
۶۳	متن مقابله شده حدیث شریف کسای یمانی
۷۶	حدیث شریف کسا یمانی
۹۰	آداب و ثواب
۹۱	توصیه و خاتمه
۹۴	کتاب نامه
۱۰۰	فهرست مطالب
۱۰۲	درباره مرکز

پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

مشخصات کتاب

سرشناسه: تربتی کربلایی، حیدر، 1338-، توشیحگر

عنوان قراردادی: حدیث کسا. شرح

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) / مولف حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر: قم: حیب، 1391.

مشخصات ظاهری: 96ص.؛ 12 × 17 س م.

شابک: 9-94-6119-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: متن حدیث به عربی آورده شده است.

یادداشت: چاپ قبلی: بنی هاشم، 1385.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث خاص (کساء) -- مأخذ

رده بندی کنگره: BP145/ک50422ت4 1391

رده بندی دیویی: 297/218

شماره کتابشناسی ملی: 2923482

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

تصوير

□

ص: 4

قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا أَحْمَدُ!

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَعْفَلَكَ، وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا

ای احمد! اگر آفرینش و خاتمیت تو نبود هستی را نمی آفریدم

و اگر آفرینش و ولایت علی علیه السلام نبود تو را نمی آفریدم

و اگر آفرینش عصمت کبری فاطمه سلام الله علیها نبود شما دو تن را نیز نمی آفریدم

ص: 5

«كشف اللثالي» شيخ جليل صالح بن عبدالوهاب بن العرندس قدس سره متوفاي به سال 840 هجري قمري بنا به نقل كتاب «جنة العاصمة» صفحہ 148 و «مستدرک سفينة البحار»: كلمه (خلق) و (فطم) از «مجمع النورين و ملتقى البحرين فيما وقع من الجور علي والده السبطين» نوشته: ملا ابو الحسن مرندي قدس سره متوفاي به سال 1349 هجري قمري: 14.

ص: 6

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، الذي جعل محمداً وآله صلوات الله عليهم أجمعين مظاهر جماله و جلاله. الذين أذهب الله عنهم الدنسات و طهرهم تطهيراً (مطلقاً، مادياً و معنوياً)، و الذين هم الصراط المستقيم و الطريق الوحيد الى معرفة الله و طاعته، و لولا معرفتهم فالضلالة لا محالة، فصلى الله عليهم صلاةً لا نهاية لها، و لعنة الله على أعدائهم و مخالفهم و ظالمهم و غاصبي حقوقهم، و مدعى شئونهم و مراتبهم و الراضين بذلك، لعناً دائماً أبدياً الى أبد الأبدين آمين.

ص: 7

از گنجینه های ارزنده ثانی ثقلین که از محتوای غنی و بابرکت اسرار ولایت کَلْبِیَّة تکوینی برخوردار است؛ حدیث شریف کسا به روایت عصمت کبری، فاطمه زهرا(علیها السلام) است. این حدیث شریف و نورانی، اگرچه کوتاه است، اما سرشار از مطالب ارزنده ای درباره ولایت کَلْبِیَّة تکوینی و همچنین تفسیر آیات قرآنی و ولایی است که البته نیازمند شرحی جامع و تفسیری ولایی می باشد.

هرچند برخی ناآگاهان در صحیح بودن این حدیث شریف تردید ایجاد می کنند اما بحمدالله در میان شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام)، از شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده و برای برآورده شدن حاجت ها و شفای بیماران خوانده می شود.

در این نوشته به حول و قوه الهی و کرم حضرت ولیّ الله العظمی و آیه، صاحبة الولاية الکلبیّة الالهیّة و حجة الله علی

الحجج، سيّدة نساء العالمين فاطمة الزهراء صلوات الله و سلامه عليها و على اهل بيتها، درصدد پاسخ به آن گفتارهاي بي اساس برآمده ايم و در ادامه، متن حديث را همراه با اختلاف نسخه ها و منابع مي آوريم.

اميدواريم به درگاه آن حضرت قبول افتد و از عنايت ايشان بهره مند شويم.

ص: 9

تقل عن مولانا امير المومنين عليه السلام

حديث إن فاطمة بقیة النبوة وبرزخ بین بحر النبوه و الامامه

زندگانی حضرت فاطمة زهرا سلام الله علیها ص 242

ص: 10

گفته شده است: این حدیث به روایت حضرت زهرا(علیها السلام) و با این مضمون در هیچ کدام از کتاب های معتبر حدیث خاصّه (شیعیان اهل بیت(علیهم السلام)) و یا عامّه نیامده است. و «المنتخب» نخستین کتابی است که حدیث را نقل کرده و سندی برای آن ذکر نکرده است و تنها سند ذکر شده برای آن، حاشیه کتاب «العوالم» است و در سند حاشیه «العوالم» از محدّثانی چون سیّد هاشم بحرانی و... تا کلینی رحمهم الله نام برده شده در حالی که در هیچ کدام از کتاب های حدیثی آنان، حدیث کسا بدین صورت نیامده است.

در پاسخ باید گفت: هنگام شهادت رسول خدا(صلی الله علیه و اله) و پس از آن، اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حاکم گشت و به شدّت از انتشار حدیث و خبرهای صحیح به این بهانه که «با نشر احادیث رسول خدا(صلی الله علیه و اله)، قرآن کنار گذاشته می شود» و «قرآن

ما را بس است» جلوگیری شد و هرکس تخلف می کرد، مورد تعقیب و مجازات قرار می گرفت. لعنت خداوند متعال بر کسانی که از گردآوری احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و ثبت صحیح حوادث تاریخی صدر اسلام، جلوگیری کردند و ما را از بسیاری اطلاعات تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و... از منبع وحی، محروم ساختند.

و از میان آن رویدادها، گردآمدن پنج تن آل عبا در خاندان وحی و خانه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است.

از طرفی، بسیاری از کتاب های معتبر، طی قرن های متمادی، دستخوش حوادث ناگواری چون سوختن، غارت، فرسودگی و... شده اند.

و گاه در کتاب خانه های دولتی یا شخصی و یا موزه های گوشه و کنار جهان، از پیدا شدن برخی از این کتاب ها خبر می رسد و چنان چه شرایط فراهم باشد، چاپ شده و در

ص: 12

اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. بنابراین عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود.

علاوه بر این، نخستین منبع این حدیث شریف، که از آن آگاهی داریم و از اعتبار والایی برخوردار است، کتاب «الغرر و الدرر» محدّث جلیل دیلمی قدّس سرّه است که در هفت قرن پیش نگاشته شده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. علمایی در عصر ما، این کتاب را دیده‌اند و ما را از محتوای آن آگاه کرده‌اند. البته کتاب‌های معتبر دیگری نیز حدیث کسا را نقل کرده‌اند که ان شاء الله در این زمینه اطلاعات ارزنده‌ای عرضه می‌شود.

ص: 13

1- غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب الأخيار: نوشته شیخ حسن بن علی بن محمد معروف به واعظ دیلمی قدس سره متوفای قرن هشتم هجری. در حال حاضر نسخه ای خطی از این کتاب در کتابخانه دانشگاه تهران در ضمن مجموعه اهدائی آقای مشکات به شماره: 1488 می باشد.

کتاب شناس بزرگ شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی قدس سره می نویسد: «کتاب ((عجالة الزاکب و قناعة الطالب في المناقب))، فارسی و تالیف مولی محمد حسین بن محمد مهدی کرهرودی سلطان آبادی قدس سره متوفای در شهر کاظمین در سال 1314 قمری می باشد. او این کتاب را به فرمان سیدعلی بجستانی نوشت... این کتاب به خط وی در کتابخانه ((طهرانی)) در شهر سامرا موجود است. اول آن چنین است:

ص: 14

[الحمد لله الذي أفاض علينا الوجود لمعرفة و طاعته...] و در آن کتاب ذکر نموده است که حدیث کسا را همراه با سند و همراه با اختلاف در متن آن، در کتاب ((غرر الأخبار)) دیلمی دیده است،... «(1).

وي مي نويسد: « ((غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب الأخيار))، تأليف شيخ ابومحمد حسن بن ابي الحسن محمد ديلمي (رحمة الله)، از اهل آخر سده هفتم و پس از آن تا ميانه هشتم قمری بوده است...، علامه مجلسي (رحمة الله) از وي در آغاز كتاب بحار الأنوار نقل مي کند و همچنين از كتاب الغرر وي مولى محمد حسين كرهرودي (رحمة الله) معاصر و متوفا در شهر كاظمين در سال 1314 قمری در تأليف هاي خود بسيار نقل مي کند، از جمله آنها حدیث کسا مي باشد به ترتیبی که در منتخب طريحي (رحمة الله) است با اختلافی بسيار کم و به سندهايي

ص: 15

چند. و مي گويم: نزد سيّد آقا تستري (رحمة الله) نسخه اي ناتمام از كتاب ((الغرر)) را ديدم و در چند جاي آن از خود نام مي برد...، و نسبت به حديث كسا، سند در آن ذكر نشده بود و بعضي از بخش هاي آن چنين بود: [... حَتَّى أَنَّهُمْ ذَكَرُوا لَمَّا دَخَلُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِي مَا خَلَقْتُمْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً...] و حديث چنان است كه طريحي نقل کرده است تا اينجا: [ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَدَرِ آن بخش هاي گفتار امام علي (عليه السلام) و پاسخ هاي رسول خدا (صلى الله عليه و اله) چنان كه طريحي آورده است نمي باشد...]. (1)

آية الله فقيد مرعشي نجفي قدس سره مي فرمايند: «از جمله کسانی که این متن حديث كسا را نقل کرده است، واعظ بزرگوار، ديلمي صاحب كتاب ارشادالقلوب است كه در كتاب

ص: 16

الغرر و الدرر تقريباً نيمي از اين حديث را آورده است» (1).

محي الدين موسى غريفي در كتاب «آية التّطهير» مي نويسد: «قسمتي از كتاب الغرر ديلمي (رحمة الله) را در كتابخانه شخصي شيخ شير محمد همداني در نجف اشرف ديدم» (2).

2- المنتخب الكبير في المراثي و الخطب: آقا بزرگ تهراني قدس سرّه مي نويسد: «كتاب المنتخب...» از آن شيخ فخرالدين بن محمد علي بن احمد بن طريحي نجفي (رحمة الله) است. وي متوفاي سال 1058 قمری مي باشد... و در حاشيه كتاب، حديث كسا به گونه مختصر از كتاب «نهج المحجّة» كه تأليف شيخ علي نقی بن شيخ احمد بن زين الدين احسايی است، آمده است و نسخه ديگري از المنتخب مي باشد كه بين آن و كتاب المنتخب كه به چاپ رسیده است، در برخي

ص: 17

1- شرح احقاق الحق: 2/557.

2- صفحه 88.

لفظ ها اختلاف مي باشد و در هر مجلسي سه باب است و از آن ده مجلس موجود مي باشد و آن به خطّ محمّد مهدي بن محمد قاسم
استرآبادی در سال 1096 قمری مي باشد...» (1).

3- (حاشیه) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال حياة سيّدة النساء (عليها السلام): جلد يازدهم چاپ دوم و سوم: آية الله سيّد شهاب الدّين مرعشي نجفی قدّس سرّه مي نويسند: «...سخن را درباره حديث كسا با ايراد نسخه اي از حديث كسا كه رايج است در مجالس مؤمنان از شيعيان خاندان پاك رسول خدا (صلی الله عليه و اله) كه براي درخواست شفا و بهبودي نزد بيماران و براي درخواست حاجت ها خوانده مي شود، به پايان مي رسانيم، و من آن را نقل مي كنم از رساله عالم جليل حجّت زاهد حاج شيخ محمّد تقی فرزند حاج شيخ محمّد باقر يزدي بافقي، ساكن در قم كه مظلومانه و در اسارت از دنيا

ص: 18

رفت و خداوند حقّ او را از کسانی که وی را ستم نمودند و از وطنش دور نمودند بگیرد، سپس به دیگر نسخه ها اشاره می کنیم به یاری و کرم خداوند تعالی... (بخشی از نامه آیه الله بافقی به آیه الله مرعشی قدّس سرهما) ... عوالم که از کتاب های معتبر شیعه و صاحب آن در کمال جلالت و اعتبار است و تقریباً زیاده از هفتاد جلد است و جلد یازدهم آن در احوالات حضرت سیّدة النّساء فاطمة الزّهراء صلوات الله وسلامه علیها و علی ائبها و بعلها و بینها است و حقیر عبادالله محمّد تقی بن محمّد باقر بافقی یزدی قمی نجفی، این حدیث شریف را از آن کتاب مبارک نقل نمودم. انشاءالله تمام شیعیان سعی نموده این حدیث و آن کتاب و سایر کتاب ها را طبع خواهند فرمود و حضرت احدیّت جلّت عظمته همه را موفّق و مؤیّد فرماید. توضیح آنکه هفتاد جلد آن در یزد در

کتاب خانه مرحوم حجّت الاسلام آقای آقا میرزا سلیمان قدّس

ص: 19

سرّه موجود می باشد. تتمّه آن ظاهراً در بحرین در خانواده مرحوم مؤلف می باشد. التماس دعا از منتظرین حجة بن الحسن صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم قال الشيخ عبدالله البحراني صاحب العوالم: رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم البحراني (سند و حديث را همان گونه که از عوالم نقل شده است، آورده اند تا آنجا که می فرماید: [و الآخرة ربّ الكعبة]. تمام شد آنچه را که به خطّ مرحوم عالم زاهد بافقی یافتم.

سپس از فاضل جلیل شیخ محمد صدوقی یزدی خواستم تا اینکه از نسخه کتاب عوالم، سند حدیث و متن آن را بنویسد و آرزوی مرا برآورد. پس آن را با نسخه مرحوم آقای بافقی مقابله نمودم و هر دو را مطابق با هم یافتم، حرف به حرف. و میان آن دو اختلافی نیافتم به جز آن که آقای صدوقی ذکر نمود که حدیث کسا و متن آن را در حاشیه و

ص: 20

کنار کتاب عوالم یافته بود. و از کسانی که آن (حدیث شریف کسا به روایت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(علیها السلام)) را نقل نموده است، علامه جلیل ثقه ثبت شیخ ما فخرالدین محمد علی طریحی اسدی نجفی، صاحب مجمع البحرین در کتاب المنتخب الکبیر است. میان او و آنچه از کتاب عوالم شده به جز زیاده سلام ها و نیز در جمله فرمایش رسول خدا(صلی الله علیه و اله) [اللّٰهُمَّ هُوَ اهل بیته و حاتمته] دیگر تفاوتی نیست... و عالم جلیل و حجت، مسئول کتاب خانه و موزه روضه عبدالعظیم حسنی(علیه السلام) در شهر ری آقای حاج شیخ محمد جواد رازی کنی در کتاب خود (نورالآفاق صفحه 4 چاپ تهران) متنی را که آوردیم به واسطه مرحوم بافقی، عیناً حرف به حرف، آورده است و چنین می گویند: و از شیخ مورد وثوق خود حاج شیخ محمد حسین سیستانی درباره سند این حدیث شریف شنیدم که او از سید حسن بن سید مرتضی یزدی

شنیده است که روایت کرده است صاحب عوالم... و سند را تا آخر همان طور که نقل کردیم ذکر نموده است و از سخن وی برمی آید که حدیث مذکور در دو جای عوالم آمده است یکی در جلد یازدهم و دیگری در جلد شصت و دوم عوالم پس دقت نما». (1)

4- نهج المحجّة في فضائل الائمة (عليهم السلام): آقا بزرگ تهرانی قدس سرّه درباره این کتاب می نویسند: «کتاب نهج المحجّة في فضائل الائمة (عليهم السلام) و إثبات حَقّهم و غصب غيرهم و بدع الغاصبين المبتدعين، از شیخ علی تقی بن احمد احسانی متوفای سال 1246 است و در سال 1235 از نوشتن آن فارغ گشت و این کتاب مانند کتاب الصّراط المستقیم بیاضی می باشد. این کتاب را بر مقدمه و ده فصل و یک خاتمه مرتّب نموده است و نسخه آن را نزد عبدالکریم آل حیدر در

ص: 22

1- شرح إحقاق الحق: 553/2-558.

بغداد دیدم و در سال 1373 در دو جلد و در تبریز به چاپ رسیده است و در آن نقل حدیث کسا را دیدم ولی از متن منتخب طریحی کمتر بود». (1)

5- حسین علوی دمشقی حنفی از خانواده های نقیبان شام است و آیه الله مرعشی قدس سره می نویسند: «حدیث کسا را به خط او دیده اند». (2)

ص: 23

1- الذریعة إلى تصانیف الشیعة: ۲۴/۴۲۴ رقم 2220.

2- شرح إحقاق الحق: 2/553-558.

1_ واعظ دیلمی شیخ حسن فرزند علی فرزند محمد دیلمی قدس سره:

شیخ محمد بن الحسن حرّ عاملی صاحب دائرة المعارف بزرگ فقه مآثور اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) «تفصیل وسائل الشّیعة» در کتاب «أمل الآمل»: ۲/۷۷ رقم ۲۱۱، وی را فاضل محدّث صالح معرفی نموده است. و نیز علامه مجلسی قدس سره از او با تعبیر «شیخ عارف» یاد نموده است و میرزا عبدالله افندی قدس سره درباره او می فرماید: «شیخ عارف عالم، محدّث جلیل، معروف به دیلمی» و همچنین صاحب روضات الجنّات قدس سره می نویسد: «عالم عارف وجیه واعظ معروف که به هر وصف زیبایی موصوف است. شیخی از بزرگان اصحاب ما و محدّثین بوده». سید محسن امین عاملی نیز در اعیان الشّیعه درباره او می نویسد:

ص: 24

«وي عالم عارف، عامل محدّث، كامل وجيه، از بزرگان اصحاب ما و فضلاي در فقه و حديث و عرفان و تاريخ غزوات و... مي باشد». و محدّث قمي قدّس سرّه در الكنى و الألقاب او را «شيخ محدّث وجيه نبیه...» توصيف نموده است. او صاحب كتاب هاي ارزنده اي چون: «اعلام الدّين في صفات المؤمنین» و كتاب «ارشاد القلوب» است.

مؤلف گوید: از کلام مرحوم دیلمی چنین برمی آید که ایشان، کتاب خود را در سال 756 یعنی در اواسط قرن هشتم هجری به پایان رسانده است.

2_ شیخ فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد طریحی نجفی معروف به شیخ طریحی قدّس سرّه متوفای سال ۱۰۸۵، یکی دیگر از نقل کنندگان این حدیث شریف می باشد.

شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه وی را «فاضل زاهد، پاکدامن

ص: 25

عابد، فقیه و شاعر جلیل القدر» توصیف نموده است و کتاب های مجمع البحرین و المقتل و المنتخب در زیارت و خطبه ها و شعر و رسائلی چند را از تألیفات او دانسته و می نویسد که با او هم عصر است. (1) محدث قمی قدس سره در سفینه البحار می نویسد: «شیخ طریحی قدس سره همان عالم فاضل محدث پاکدامن زاهد عابد فقیه، شاعر جلیل، صاحب کتاب مجمع البحرین و المنتخب در مقتل و الفخریه در فقه و... است... حکایت شده است که وی عابدترین اهل زمان خود و پاکدامن ترین بوده است. روایت کند از وی فرزند دانشمندش صفی الدین و علامه سید هاشم توبلی بحرانی و مجلسی و خود از شیخ محمد فرزند حسام مشرقی از شیخ بهایی...».

3_ شیخ محدث بزرگ و متبّع آگاه عبدالله بن نورالله

ص: 26

1- أمل الآمل: ۲/۲۱۴ الرقم 648.

بحرانی اصفهانی قدس سره، بزرگ شاگرد علامه بزرگوار مجلسی قدس سره، از خطّ سید هاشم بحرانی قدس سره، از استاد بزرگوارش سید ماجد بحرانی، از شیخ حسن بن زین الدین شهید دوم، از استادش مقدّس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از شیخ ضیاء الدین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخر المحقّقین، از شیخ و پدرش علامه حلّی، از شیخ خود محقّق حلّی، از استادش ابن نمای حلّی، از استادش محمد بن ادريس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب، از طبرسی صاحب احتجاج، از استاد بزرگوارش حسن بن محمد بن حسن طوسی، از پدرش شیخ طائفه حقه طوسی، از استادش شیخ مفید، از استادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علی بن

ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی، از قاسم بن یحیی بن الجلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن عبدالله انصاری از فاطمه زهرا(علیها السلام) متن این حدیث را روایت نموده است که تصویری از نسخه خطی آن ضمیمه می شود.

4_ شیخ علی تقی بن احمد احسائی.

5_ حسین علوی دمشقی حنفی از اشراف شام.

ص: 28

محقق و کتاب شناس بزرگ شیعه آیه الله سید حسن صدر قدس سره چنین می نویسد: «سید محمد بن سید ابراهیم... موسوی جبعی شحوری، جدّ اعلاي ما... شاگرد شیخ محمد باقر سبزواری صاحب الذخیره بود،... از نوشته های باقی مانده او «قصیده نوبته بزرگ» وی می باشد که در آن، حدیث کسا را به همان کیفیتی که طریحی در المنتخب آورده، به نظم آورده است...» (1).

آقابزرگ تهرانی قدس سره چنین نگاشته است: «ار جوزه در حدیث کسا که نظم علامه سید محمد بن سید معز الدین محمد مهدی حسینی قزوینی حلّی متوفای سال 1335 قمری است و در پنجاه بیت می باشد و آن را علامه سید محمد

ص: 29

آیه الله مرعشی نجفی قدس سره می نویسند: «و این حدیث شریف را تری چند از فرزانه های شعر و ادب از اصحاب ما (شیعیان) به نظم در آورده اند. از برترین آنان علامه فقیه ادیب آیه الله ابوالمعز سید محمد بن علامه سید مهدی قزوینی حلی متوفای سال 1335 قمری می باشد. وی در بالاترین جایگاه جلالت و بزرگی بود. او از دوستان پدر علامه ام بود. روانش شاد باد... دیگر سراینده این حدیث، فاضل معاصر و جلیل استاد شیخ علی خاقانی نجفی می باشد که بابلیات از سروده های ایشان است و در مجله ((البیان)) چاپ شده است، خداوند برکت و جود وی را دوام بخشد و در میان ما چون او را بسیار گردانند...» (2).

ص: 30

1- الذریعة: 1/470.

2- شرح احقاق الحق: 2/558.

آقابزرگ تهراني مي نويسد: «... محدّث ماهر حاج شيخ محمّدباقر... قائني بيرجندي صافي صاحب كتاب «الكبريت الأحمر في شرائط اهل المنبر» در مقتل به زبان فارسي است وي حديث كسا را به نظم آورده و در سال 1343 قمری به چاپ رسیده است...» (1).

و مي نويسد: «طور سيناء در شرح حديث كساء» به فارسي، از شيخ معاصر حاج شيخ علي اكبر... نهاوندي متوفا در مشهد خراسان است. (2).

ص: 31

1- الذريعة: 17/260.

2- الذريعة: 15/181.

برای شرح حال راویان حدیث، واقع در طریق عوالم، به موسوعه رجالی بزرگ «معجم رجال الحدیث»، تألیف آیه الله خوئی قدس سره مراجعه کنید.

محدث و دانشمند فقید، سید عبدالرزاق موسوی مقرر قدس سره می نویسد:

«حدیث کساء»

«سخنان مفسران، روایت های محدثان و صاحبان سیره و ارباب معجم ها همه بر اینکه منظور از اهل بیت در سخن خدای متعال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» همان پنج تن اصحاب کسا است، اتفاق دارند. اصحاب کسا یعنی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و اله) و وصی آن حضرت، امیر مؤمنان (علیه السلام) و دخترش حضرت صدیقه سیده زنان دو جهان از اولین و آخرین (علیها السلام) و دو فرزندش که دو

ص: 32

آقای اهل بهشت امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) هستند. و در این مورد از گروهی از صحابه و تابعین، نصّ متواتر وجود دارد. و ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان پانزده طریق و سیوطی در تفسیر الدر المنثور تا بیست طریق ذکر کرده است. و پیامبر (صلی الله علیه و اله) همیشه در فرصت ها و موارد متعدد آشکارا می فرمود که اصحاب کسا اختصاص به همین پنج تن دارد. حتّی آن حضرت پس از نزول آیه تطهیر هرگاه برای نماز صبح خارج می شدند، بر در خانه فاطمه (علیها السلام) می ایستادند و با صدای بلند ندا می کردند: «الصلاة أهل البيت» و آیه تطهیر را قرائت می فرمودند. و شش ماه یا هفت و یا هشت ماه بر این روش بودند و هیچ کس نقل نکرده و نگفته که این توقّف بر در خانه یکی از زنان و نزدیکان آن حضرت (صلی الله علیه و اله) بوده است و این عمل از شخص حکیمی چون رسول خدا (صلی الله علیه و اله) دلالت بر معنای بزرگ و مهمّی دارد که آیه

دربدارنده این معنای عظیم است و آن اینکه آیه اختصاص به این پنج تن دارد و هیچ فرد دیگری از مسلمانان را شامل نمی شود. ولی گروه هایی که انکارکننده فضیلت اهل کسا هستند؛ وقتی دیدند نمی توانند این فضیلت را از ریشه انکار کنند، غیر این پنج تن را شریک در اهل بیت قرار داده و به شاهدهایی سست تر از خانه عنکبوت استناد کرده اند و حتی خودشان در این گفته مانند کسی که در شب تاریک، هیزم جمع می کند، سرگردان و مردّد هستند. و با اینکه رسول خدا(صلی الله علیه و اله) به امّ سلمه اجازه داخل شدن در کسا را نداد و فقط به او فرمود: به راستی تو بر خیری و از زنان پیامبر هستی، انکارکنندگان فضیلت اهل بیت، دیدند نمی توانند مطالب خود را به خورد مردم بدهند، راه دیگری را پیشه ساختند و آن این بود که حدیث را تحریف کردند و از حدیث ویژگی هایی که برای پنج تن آمده بود انداختند و فقط به

نزول آیه در شأن ایشان اکتفا نمودند؛ اما متتبع کامل شیخ فخرالدین طریحی نجفی که از نوادر روزگار و از مفاخر علما به شمار می آید، در کتاب «المنتخب» چاپ نجف صفحه 186، روایت را همان طور که از منبع وحی رسیده، ذکر نموده. علامه و حجة الاسلام سید عدنان آل سید شبر بحرانی و سید محمد فرزند آیه الله سید مهدی قزوینی از علامه محقق طریحی تبعیت کرده اند. و علامه حجة الاسلام سید محمد کاظم یزدی - صاحب عروة الوثقی - در «أجوبة المسائل المتفرقة»، همان را اذعان نموده است و (دور از صحت نمی داند) و علامه سید شهاب الدین تبریزی در رساله كوچك فارسي که آن را «حدیث کسا» نامیده است، سندی را برای این حدیث متذکر شده و در آن رساله كوچك، حدیث سلسله الذهب را بیان داشته است. این کتاب در سال 1356 قمری به طبع رسیده است. به کتاب الدرعية

ص: 35

در فهرست مصنفات شیعه: 6/378 مراجعه شود. و محبّ الدّین طبری در ذخائر العقبی: 22، و ابن حجر در الصّواعق المحرقة: 86 از اختلافی که در روایات تعیین کسا و محلّی که در آن جمع بودند و آنچه امّ سلمه جواب داده و غیر اینها است، استظهار کرده اند که واقعه متعدّد است. ولی من دلیلی برای تعدّد واقعه نمی بینم زیرا در حقیقت واقعه یکی است و آیه کریمه در همان یک مورد نازل شده است. و لیکن راویان خبر این فضیلت را آن چنان که صادر شده، نقل نکرده اند و در این واقعه طبق خواسته هوی و هوس تصرّف نموده اند. پس زنان و خویشان پیغمبر را با پنج تن شریک نموده اند در حالی که دور بودن ایشان از آیه چون دور بودن آسمان و زمین است. و شاهد بر این گفته پیامبر (صلی الله علیه و اله) به امّ سلمه است، آن هنگامی که اجازه خواست تا داخل در کسا شود فرمود: «إِنَّكَ عَلِي خَيْر، إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ»، هم چنان

که نمی بینم شك کننده در احادیث اهل بیت که اثبات منزلت های عالی برای آن بزرگواران می نماید _ فضائلی که پیامبر مرسل و فرشتگان مقرب به آنها نمی رسند _ در صحت این حدیث و آنچه را که برای پنج تن و شیعیانشان اثبات می نماید شك کند و حدیث های متواتر بلکه فوق تواتر بر چنین فضیلتی دلالت دارد. پس در چیزی که نص بر آن قائم است، شك کردن وی دور نخواهد بود». (1)

بنا بر نقل جامع کتاب «الدعاء و الزیارة»، پدر ایشان مرحوم آیه الله میرزا مهدی شیرازی قدس سره در مجموعه ای حدیث کسا را با سند متصل از حضرت زهرا (علیها السلام) نقل می کنند و اینجانب مفتخر به مجاز بودن نقل آن به طریق مذکور به واسطه ایشان هستم.

ص: 37

1- وفاة الزهراء (عليها السلام): 48-50.

1_ اولین مدرک حدیث کسا، از پیشینه ای بیش از شش قرن، برخوردار است.

2_ تمامی مؤلفان، مورد وثوق در حدّ عالی و جلیل القدر بوده اند.

3_ حدیث کسا بنا به فرمایش مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی (رحمة الله)، در کتاب الغرر و الدرر چندین سند دارد.

4_ کتاب الغرر را سید آقا بزرگ شوشتری و مولی محمد حسین کهرودی و آقا بزرگ تهرانی و آیه الله مرعشی و غریفی رحمهم الله دیده اند.

5_ نسخه ای از کتاب الغرر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می باشد.

پس از چاپ یکم، خوشبختانه کتاب شریف «غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب أبي الأئمة الأطهار» برای نخستین بار به اهتمام مكتبة العلامة المجلسي قدس سرّه و با تحقیق اسماعیل الضیغم ضمن سلسله مصادر بحار الأنوار جلد 5، 1427 ه.ق به زیور طبع آراسته شد. در صفحه 298 فصل 23 این کتاب چنین آمده است: حتّى أنّهم ذكروا لَمّا دخلوا تحت الكساء قال سبحانه و تعالی للملائكة: يا ملائكتي و سگان سماواتي، ما خلقت سماءً مبنیة، و لا أرض مدحیة، و لا قمر یسري، و لا فلك یجري، إلاّ لأجل الخمسة الذین تحت الكساء. فقال جبرئیل علیه السلام: یا إلهي و سیّدي و مولاي، و من تحت الكساء؟ فقال جلّ جلاله: فاطمة و أبوها و بعلها و بنوها. فقال: یا ربّ، أتأذن لي أن أنزل إليهم و أبشّهم و أكون معهم؟ فقال: نعم. فنزل، و قال: السلام علیکم، یا حبیبی

يا محمد! أتأذن لي أن أكون معكم فأكون سادسكم؟ فقال: نعم، قد أذنت لك. فقال: يا حبيبي يا محمد! ربك يقرئك السلام ويخصّك بالتحية والإكرام ويقول: وعزّتي وجلالي وعلويّ وارتقاعي، ما خلقت سماء مبنية، ولا أرضا مدحية، ولا شمسا، ولا قمرا، ولا نجما، ولا جنة، ولا نارا إلا لأجلكم.

اما درباره شبهه ها، پیش از هر چیز لازم است بدانیم که زیر سؤال بردن، اشکال وارد کردن و ترویج نظریات پالایش نشده درباره متونی از این قبیل _ که شیعیان در طول قرون متمادی، در مجالس شکوه مندی، به خواندن آن ملتزم بوده و هستند _ جز ایجاد تردید در اذهان عموم و فراهم آوردن مستمسک برای دشمنان تشیع، نتیجه دیگری ندارد. بنابراین باید پیش از هر اقدامی، مباحثی از این دست، در مجامع علمی بررسی شده و صحیح ترین و مستندترین نظر علمی در میان مردم مطرح شود. اما اشکالات و پاسخ ها:

الف: گفته شده است: این سلسه سند به لحاظ تاریخی

ص: 40

صحیح نیست، چرا که برخی از راویان با راوی پیش از خود هم عصر نبوده اند. بنابراین نمی توانند از راوی قبل از خود روایتی نقل کنند.

پاسخ: صحّت استناد يك حدیث به معصوم، تنها با داشتن سند صحیح محرز نمی شود. مثلاً مقبوله عمر بن حنظله، هر چند سند آن صحیح، معتبر و متواتر نیست، امّا علما و فقها آن را اخذ به قبول نموده و براساس آن فتوا داده اند. محتوای بسیار ارزشمند حدیث شریف کساء نیز بر صحّت صدور آن از ساحت معصوم دلالت دارد. (1)

بنابراین با استناد به قاعده تسامح در ادلّه سنن، حتی اگر متنی مانند حدیث کساء، سند صحیح نداشته باشد، عدم ضعف محتوایی بلکه متن بسیار قوی و ارزشمند آن می تواند

ص: 41

1- ر.ك: «التّحقیق حول سند حدیث الكساء» و «فاطمه(علیها السلام) در آینه کتاب».

بر صحت صدور آن از معصوم دلالت کند. گذشته از اینکه این حدیث شریف، از مجربات امامیه بوده و مورد تأیید مراجع شیعه از جمله علماء و آیات سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی در کتاب «اجوبة المسائل المتفرقة»، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیه الله سید محمدرضا موسوی گلپایگانی و آیه الله سید محمد روحانی و... است. (1)

ب: حدیث کساء روایت شده از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر وقوع آن و اجتماع خمسه طیبه در خانه آن حضرت دارد در حالی که احادیث صحیح در این باره بر وقوع این حادثه در خانه ام سلمه، همسر رسول الله، دلالت دارند. و حدیث کساء در خانه حضرت زهراء (علیها السلام) اعتبار ندارد.

پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد

ص: 42

1- ر.ک: حدیث کساء و آثار شگفت.

بن حجر هیثمی شافعی متعصب افراطی (ت ۹۷۴هـ) در کتاب محترقه خود «الصواعق المحرقة» صفحه: ۱۴۴ چاپ قاهره مصر می نویسد: محبّ الدین طبری (ت ۶۹۴هـ) اشاره کرده است که واقعه کسائیّه در خانه امّ سلمه و خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) و... تکرار شده است.

می بینیم که این نقل، در قرن هفتم و از طریق پیروان اصحاب سقیفه ملعونه صورت گرفته و در آن به صراحت اعلام شده است که یکی از مواضع اجتماع خمسه طیّبه، خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) است.

از طریق شیعه نیز سیّد جلیل علیّ بن طاووس (رحمة الله) در کتاب شریف «الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف» مواردی از اختلاف روایات را آورده و می فرماید: این روایات دلالت بر تکرار این واقعه دارد.

ج: حدیث کساء از حیث محتوایی سستی هایی دارد که بر

ص: 43

اهل حديث مخفي نيست.

پاسخ: اين بيان، ادعائي بيش نبوده و مدرکي ندارد.

د: در حديث کساء مزبور از حضرت زهراء(عليها السلام) آمده است که خداوند متعال فرمود: يا ملائکتي! ائي ما خلقت سماءاً... در حالي که ايشان تنها مي توانستند از قول پيامبر(صلى الله عليه و اله) اين مطلب را نقل کنند. جز پيامبر کسي نمي تواند چيزي را بدون واسطه از خداوند نقل کند.

پاسخ: درباره اينکه کسي جز پيامبر اکرم(صلى الله عليه و اله)، نتواند کلام خدا را بشنود، دليل عقلي و نقلي وجود ندارد بلکه قرآن کریم به روشني اعلام مي فرمايد که وحی بر کساني که نبي و رسول نبوده اند نیز صورت گرفته است: «و أوحينا إلی أم موسی...»⁽¹⁾ «إذ أوحينا إلی أمک ما یوحی»⁽²⁾ و... .

ص: 44

1- (۲۸) سوره القصص: آیه ۸.

2- (۲۰) سوره طه(صلى الله عليه و اله): آیه ۳۹.

نقل قول مستقیم از خداوند و جبرئیل که در حدیث شریف کساء توسط حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) صورت می‌گیرد، بیان‌گر مقام محدّثه بودن ایشان است که با توجّه به نصوص بسیار، برای ایشان ثابت بوده و جای انکار ندارد.

ضمن اینکه نقل قول مستقیم از جانب خداوند توسط حضرت زهرا (علیها السلام)، اختصاص به حدیث شریف کساء ندارد: محدّث جلیل القدر محمّد بن الحسن الصفّار که از اجلّه شاگردان امام الحسن الزکّیّ العسکریّ (علیه السلام) است در کتاب شریف خود «بصائر الدّرجات الکبری» _ که مجموعه‌ای بسیار ارزشمند از احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است _ به سند خود از ابوبصیر، از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند: ... وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصَّحَفُ فَاطِمَةَ؟! قَالَ: مُصَّحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ... هُوَ شَيْءٌ أَمَلَاهَا اللَّهُ وَأَوْحَى إِلَيْهَا (1)... _

ص: 45

1- بصائر الدّرجات: ۱۵۱ ب ۱۴ ح ۳ به سندش از ابوبصیر، بحار الأنوار: ۲۶/۳۸ ب ۱ ح ۷۰ از بصائر الدّرجات.

... آنان چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است که مانند این قرآن شما در آن است، سه برابر... همانا آن چیزی است که خداوند بر ایشان املا فرمود و وحی نمود....

و در همان کتاب شریف به سند خود از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند: ... وَ خَلَّفْتُ فَاطِمَةَ مُصْحَفًا مَا هُوَ قُرْآنٌ، وَ لَكِنَّهُ كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ أَنْزَلَ عَلَيْهَا، إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ (عليه السلام) (1) ... حضرت فاطمه، مصحفی بر جای نهادند که قرآن نیست اما کلامی از کلام خداوند است که بر ایشان نازل شد، املاي رسول الله و دست نوشته حضرت علي (عليه السلام) بود.

ص: 46

1- - بصائرالدرجات: ۱۵۵ ب ۱۴ ح ۱۴ به سندش از محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ۲۶/۴۱ ب ۱ ح ۷۳ از بصائرالدرجات.

هـ: تعریفی که از جانب خداوند در حدیث کساء حضرت زهرا(علیها السلام)، از پنج تن شده «هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَ...» نوعی توهین به رسول الله است. و باید اول رسول الله و سپس امیرالمؤمنین یا حضرت زهرا و... معرفی می شدند.

پاسخ: تقدّم در تعریف، همیشه بر اشرف و افضل دلالت نمی کند و اگر این اشکال بر حدیث کساء وارد باشد، می توان بر قرآن کریم نیز اشکال وارد کرد، آنجا که در آیه مباحله می فرماید: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»⁽¹⁾. بنابراین معرفی پنج تن از طریق حضرت زهرا(علیها السلام)، به دلایل دیگری انجام شده است.

با توجه به روایاتی که چند مورد از آنها آورده می شود، فرشتگان نسبت به حضرت زهرا(علیها السلام) آشنایی بیشتری داشتند: انس بن مالک غلام رسول الله از ایشان نقل

ص: 47

1- (۳) سوره آل عمران: آیه ۶۲.

مي كند كه فرمودند: ... وَ نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَ فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الظُّلْمَةَ بِالْقُدْرَةِ، فَأَرْسَلَهَا فِي سَحَابِ الْبَصْرِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنَا مُذْ عَرَفْنَا هَذِهِ الْأَشْبَاحَ مَا رَأَيْنَا سُوءًا، فَبِحَرْمَتِهِمْ إِلَّا كَشَفْتُمْ مَا نَزَلَ بِنَا، فَهَذَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى قَنَادِيلَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَّقَهَا عَلَى سِدْرَةِ الْعَرْشِ فَقَالَتْ: إِلَهْنَا لِمَنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةُ وَ هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقَالَ: هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ الرَّهَاءِ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ أُمَّتِي الرَّهَاءِ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ بِنُورِهَا ظَهَرَتْ وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّي وَ زَوْجَةُ وَصِيِّي وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي أُشْهِدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيرِكُمْ، لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شِعْتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (1) _ وَ نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ خَدَاسْتِ وَ دَخْتَرَمِ فَاطِمَةَ، مِنْ آسْمَانِهَا وَ زَمِينِ بَرْتَرِ اسْتِ... سَبَسِ خَدَاوَنْدِ بِي قَدْرَتِ خُودِ تَارِيكِي رَا آفْرِيدِ پَسِ فَرَشْتِكَاَنْ كَفْتَنْدِ: پَرُورْدِگَارِ مَا مَنْزَهَ وَ پَاكِ وَ مَقْدَسِ اسْتِ. مِنْ زَمَانِي كِه مَا اَيْنِ

ص: 48

1- بحار الأنوار: ٢٥/١٦ ح ٣٠ از كتاب رياض الجنان.

اشباح (نور خمسه طيِّبه اصحاب كسا) را شناختيم، هيچ سختي و بدني ندیده ايم. پس به حرمت آنان آنچه را بر ما نازل شده است از ما برطرف نما (تاريكي را ببر). آن هنگام خداوند چراغ هاي رحمت را در سراپرده عرش آویزان فرمود. فرشتگان گفتند: بارالها! اين فضيلت ها و نورها از آن چه كسي است؟ فرمود: اين نور كنيز من فاطمه زهراست. زهرا ناميده شد زيرا آسمان ها و زمين ها به نور او ظاهر شدند و همانا او، دختر پيامبرم و همسر وصي و حجت من بر مخلوقاتم مي باشد. اي فرشتگانم! شما را گواه مي گيرم، به تحقيق ثواب تسبيح و تقدیس شما را تا روز قيامت، براي اين زن و شيعيانش قرار دادم... .

این حدیث در جايي ديگر به سند از انس بن مالك نقل شده و در آن آمده است: ... پس خداوند به فرشتگان چنين وحی فرمود: هَذَا نُورٌ اخْتَرَعْتُهُ مِنْ نُورِ جَلَالِي لِأُمَّتِي فَاطِمَةَ ابْنَةِ حَبِيبِي، وَزَوْجَةِ وَلِيِّي، وَأَخِي نَبِيِّي، وَأَبِي حُجَّجِي عَلِيٍّ

عبادي(1)... _ این نور، نوري است که آن را از نور جلال و عظمت خود براي کنیز خودم فاطمه، دختر حبيبم و همسر ولي و برادر پیامبرم و پدر حجت هائم بر بندگانم آفريدم... .

و به نقل از سلمان فارسي از رسول الله(صلى الله عليه و اله) با اختلاف اندکي آورده شده و در آن آمده است: فَقَالَ اللَّهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لَا جَعَلَ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَتَقْدِيسِكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِمُحِبِّي هَذِهِ الْمَرْأَةِ وَأَبْنَيْهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا(2) _ خداوند فرمود: سوگند به عزت و شکوهم! همانا ثواب تقدیس و تسبیح شما فرشتگان را تا روز قیامت براي دوستان این زن و پدر و شوهر و پسرانش قرار مي دهم.

با توجه به احاديثي از این دست، درمي يابيم که فرشتگان

ص: 50

1- بحار الأنوار: ۳۷/۸۲ ب ۵۰ ح ۵۱ از تأويل الآيات: ۱۴۳ از كتاب مصباح الأنوار.

2- بحار الأنوار: ۴۳/۱۷ ب ۲ ح ۱۶ از ارشادالقلوب: ۲/۴۰۳.

نسبت به حضرت زهرا(علیها السلام) شناخت بیشتری داشتند و به همین جهت خداوند حضرت زهرا(علیها السلام) را برای معرفیِ خمسهِ طیّبه، مرکزیت بخشیده است.

از طرفی، برای درک حقیقت حضرت فاطمه(علیها السلام) باید به احادیث رسول الله(صلی الله علیه و اله) درباره آن حضرت و نیز چگونگی رفتار پیامبر نسبت به ایشان، روی آوریم و با دقت تمام برای فهم آن بکوشیم. پیامبر بارها به ایشان فرمود: **فِداکِ اَبُوکِ** _ پدرت به قربان تو باد. یا درباره ایشان می فرمود: **فِداها اَبوها** _ پدرش به فدایش باد. و موارد دیگر. در اینجا نیز تقدّم نام حضرت فاطمه(علیها السلام) برای بیان مرتبه ای از شرافت و فضیلت آن حضرت است که در احادیث دیگری نیز به آن اشاره شده است:

جناب سید حسن میرجهانی(رحمة الله) برایم نقل فرمود چنان که در کتاب خود **الجنتیة العاصمة: ۱۴۸** نقل نموده است از کتاب

«كشَف اللّٰثَالِي» تَأَلِيف عَالَم جَلِيل شَيْخ صَالِح بِن عَبْدِوَهَاب بِن الْعَرْنَدَس حَلِي رَضْوَان اللّٰه عَلَيْهِ كِه اَز عِلْمَاي شِيْعَه دَر قَرْن نَهْم هَجْرِي اِسْت، بِه سِنْد مِتَّصِل خُود اَز جَابِر بِن عَبْدِاللّٰه اِنصَارِي اَز رَسُوْل اللّٰه (صَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَ اَلِه) اَز خِدَاوَنْد تَعَالِي نَقْل مِي كَنْد كِه فَرْمُود: يَا اَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٍّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُكُمَا _ اَي اِحْمَد! اِگر بِه سَبَب تُو نَبُود، اِفْلَاكَ رَا نَمِي اَفْرِيْدَم وَ اِگر عَلِي نَبُود، تُو رَا نَمِي اَفْرِيْدَم وَ اِگر فَاطِمَه نَبُود، شَمَا دُو تَن رَا نَمِي اَفْرِيْدَم. سَبَس جَابِر كَفْت: هَذَا مِنْ الْاَسْرَارِ الَّتِي اَمَرْنَا رَسُوْل اللّٰه (صَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَ اَلِه) بِكْتِمَانِه اِلَّا عَنْ اَهْلِه _ اَيْن، اَز جَمْلَه اِسْرَارِي بُوْد كِه رَسُوْل اللّٰه (صَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَ اَلِه) بِه مَا دَسْتُوْر دَادَنْد اَن رَا جَز اَز اَهْلَش، پَنْهَان دَارِيْم.

و: دَر پَايَان حَدِيْث كَسَاء بِه رُوَايْت حَضْرَت زَهْرَا (عَلَيْهَا السَّلَام) سُوْگَنْد يَاد شُدِه اِسْت كِه اِگر دَر جَمْعِي اَز شِيْعِيَان وَ عِلَاقَه مَنْدَان اَهْل بِيْت (عَلَيْهِمُ السَّلَام) اَيْن حَدِيْث خُوَانْدِه شُوْد وَ اَز اَيْن وَاقْعَه يَادِي بِه

ص: 52

میان آید، مشکلات آن ها برطرف شده و خداوند خواسته های آنان را برآورده و مستجاب می گرداند. اگر این حدیث از جانب معصوم نقل شده است، چرا عدّه ای با خواندن حدیث کساء، مشکلاتشان برطرف نمی شود؟

پاسخ: در قرآن کریم می خوانیم «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» (1) اما چنان چه می دانیم بسیاری از دعاهای ما به اجابت نمی رسد. در واقع نفس دعا کردن، توفیقی الهی است که گاه با مستجاب نشدن دعا و در نتیجه تکرار دعا، شامل حال بنده می شود. از طرفی، دانسته های انسان، به دیده ها و شنیده های او خلاصه می شود و چه بسا دعاهایی که اجابت آن به صلاح او نیست اما او از این امر، آگاهی ندارد اما خداوند با آگاهی از این امر، این خواسته را با عطایای بیشتر خود در قیامت، اجابت می کند.

ص: 53

علاوه بر اینکه، علّت تامّه برای استجابّت، تنها دعا کردن نیست و باید سایر شرایط نیز فراهم شود. از جمله اینکه موانع استجابّت دعا در میان نباشد که در دعای حضرت خضر (علیه السلام) به روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که به «دعای کمیل» مشهور است، به آن اشاره شده است: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَحِسُّ الدُّعَاءَ - خدایا برای من گناهی را مورد بخشش قرار ده که دعا را حبس می کند (از بالا رفتن و استجابّت دعا، جلوگیری می کند)».

همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه که مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای سبط اکبر امام حسن مجتبی (علیه السلام) مرقوم فرمودند، آمده است: ... فَلَإِ - يُفَنِّطَنَّكَ إِطِّئِ إِجَابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ، وَرُبَّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ، وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَهْلِ، وَرُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُعْطَاهُ (تُوْتَاهُ)، وَأُوتِيتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا

هُوَ خَيْرٌ لَّكَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ، فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ، وَيُنْفَى عَنْكَ وَبَالُهُ... هرگز از به تأخیر افتادن اجابت دعا ناامید نباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای امیدوار کامل تر شود. گاه درخواست می کنی اما پاسخ داده نمی شود، زیرا (خداوند) بهتر از آنچه که خواستی، به زودی یا در وقت مشخص به تو خواهد بخشید. گاهی دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شود، مایه نابودی دین تو خواهد شد. پس درخواست تو در آن چیزی باشد که زیبایی آن برای تو باقی باشد و وبال آن از تو نفی گردد، ...

همچنین، مضمون فقرات پایانی حدیث کساء به روایت حضرت زهرا(علیها السلام)، در احادیث دیگری نیز آمده است که درباره فضیلت مجالس و اجتماع مؤمنین در ذکر معارف و

فضائل اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

در نتیجه چنان چه بیان شد، متن حدیث شریف کساء به روایت حضرت زهرا (علیها السلام) با بسیاری از آیات و احادیث هماهنگی کامل داشته و همین، دلالت بر قوت متن آن دارد.

ص: 56

رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها

احقاق الحقق

الغرر و الدررغ

عوامل العلومع

المنتخبخ

وفاة الزهراءالمقرّم م

یادآور می شویم که اختلاف کلمه ها در نسخه ها و منابع در پاورقی و داخل کروشه آورده شده است. همچنین عبارت های اضافه بر متن مشهور با علامت (+) و عبارت هایی که در متن مشهور بوده ولی در برخی نسخه ها نیامده است، بدین صورت (-) نمایش داده شده است.

ص: 57

متن مقابلہ شدہ حدیث شریف کسای یمانہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] (1)

سَمِعْتُ فَاطِمَةَ (2) أَنْهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ (3) فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ: (4) عَلَيْكَ السَّلَامُ (5)،

ص: 58

1- «ق».

2- «ق»: + الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

3- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

4- «ق»: + وَ.

5- «ق»: + يَا أَبَتَاهُ.

قال (1) : إني أجد (2) في بدني ضعفاً، فقلت له: أعيدك بالله يا أبـتاه من الضعف، فقال (3) : يا فاطمة ايتيني بالكساء اليماني، فغطيني به، فأتيتُه بالكساء اليماني، فغطيتُه به، وصرت أنظر إليه، وإذا وجهه يتألـلـو كأنه البـدر في ليـلة تمامه وكماله.

(4) فما كانت إلا ساعةً وإذا بولدي الحسن (5) قد أقبل وقال: السلام عليك يا أمه، فقلت: وعليك السلام يا قرة عيني وثمره فؤادي، فقال (6) : يا أمه، إني أشم عندك رائحةً طيبةً،

ص: 59

1- «ق»: فقال.

2- «ق»: لأجد.

3- «خ»: + عليه السلام.

4- «خ»: + قالت فاطمة عليها السلام.

5- «ق»: + عليه السلام.

6- «ق»، «ع»، «م»: + لي.

كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (1) ، فَقُلْتُ: نَعَمْ (2) ، إِنَّ جَدَّكَ (3) تَحْتَ الْكِسَاءِ ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ (4) نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (5) ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ .

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً ، وَإِذَا (6) بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ (7) (8) قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ ، فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُوَّةَ

ص: 60

1- «ق» ، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

2- «ق»: + يَا وَلَدِي .

3- «م»: + نَائِمٌ .

4- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ .

5- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

6- «ق»: فَإِذَا .

7- «خ»: + وَإِذَا بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ ، «م»: بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ .

8- «ق» ، «ع» ، «خ»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ .

عَيْنِي وَ ثَمْرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ لِي: يَا أُمّاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَانَتْهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ الْهَيْكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَقُلْتُ: نَعَمْ (1)
إِنَّ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَذَنِي الْحُسَيْنِ (2) نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ
أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ (3) الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ (4): وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ص: 61

1- «ق»، «ع»، «م»: يَا بُنَيَّ.

2- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ، «م»: + مِنْهُ.

3- «م»: + هَذَا.

4- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «م»: + لَهُ.

فَأَقْبَلَ (1) عِنْدَ ذَلِكَ أَبُوعَبْدِ اللَّهِ وَابْنُ أَبِي طَالِبٍ (2) وَقَالَ: أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ (3) يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (4)، فَقَلَّتْ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنِّي أَسْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ (5) عَلِيٌّ (6) نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ (7) مَعَكُمْ تَحْتَ

ص: 62

1- «م»: ثُمَّ أَقْبَلَ.

2- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

3- «ق»: + يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

4- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

5- «م»: + نَحْوَهُ.

6- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

7- «م»: أَدْخَلَ.

الْكِسَاءِ؟ قَالَ لَهُ (1): وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ صَاحِبَ لِيَاثِي (2)، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ؛ فَدَخَلَ عَلَيَّ (3) تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (4) أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ: (5) وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بَنَّتِي وَيَا بَضْعَتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ (6) تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ص: 63

1- «م»: + نَعَمْ.

2- «ق»: + فِي الْمَحْشَرِ نَعَمْ.

3- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ، م: + مَعَهُمْ.

4- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

5- «ق»: + لِي، «م»: + نَعَمْ.

6- «ق»: + مَعَهُمْ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا(1) جَمِيعاً تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ، وَأَوْمِيءَ بِيَدِهِ إِلَيَّ مُنِي إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اَللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَتِي لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ، وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صِدْقَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَغُفْرَانَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنيراً، وَلَا شَمْساً مُضِيئَةً،(2) وَلَا فَلَكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فَلَكَاً

ص: 64

1- «ق»: + وَاجْتَمَعْنَا.

2- «غ»: وَلَا فَلَكَاً تَجْرِي إِلَّا لِأَجْلِ الْخُمْسَةِ الَّذِينَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

يَسْرِي(1)، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِأَهْلِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ (2)! وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ (3) عَزَّوَجَلَّ (4): هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ (5)، هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي (6) أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ (7)، لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا؟ فَقَالَ اللَّهُ (8): نَعَمْ (9) قَدْ أَذْنْتُ لَكَ.

ص: 65

1- «ق»، «ع»: تَسْرِي.

2- «غ»: فَقَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ.

3- «ق»، «غ»، «م»: + اللَّهُ.

4- «غ»: جَلَّ جَلَالُهُ، «م»: سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى.

5- «ق»، «ع»، «م»: + وَ.

6- «م»: يَا رَبِّ.

7- «غ»: أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ وَأَبْشَرَهُمْ.

8- «ق»: + عَزَّوَجَلَّ.

9- «م»: فَإِذَا النِّدَاءُ.

فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ (1) : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (2) أَلْـعَلِّي الْأَعْلَى يُقْرِنُكَ السَّلَامُ، وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنيراً (3) ، وَلَا شَمْساً مُضِيئةً، وَلَا فَلْكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فَلْكَاً يَسْرِي (4) ، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أذِنَ لِي أَنْ أَدْخَلَ مَعَكُمْ (5) ، فَهَلْ تَأْذَنُ لِي (6)

ص: 66

1- «ق»: + لآبي.

2- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «غ»: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حَبِيبِي يَا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ.

3- «غ»: + وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَاراً.

4- «ق»، «ع»: تَسْرِي.

5- «م»: + تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ.

6- «م»، «ق»: + أَنْتَ.

يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ (1) رَسُولُ اللَّهِ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحِيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمَ، فَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ. (2)

فَقَالَ (3) لِأَبِي: إِنَّ اللَّهَ (4) قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (5). (6)

فَقَالَ (6) عَلِيُّ لِأَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي مَا لَجُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ (7): وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

ص: 67

1- «ق»: + أَبِي.

2- «م»: مَعَهُمْ وَقَالَ لَهُمْ.

3- «ق»: + جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

4- «م»، «ع»: + عَزَّ وَجَلَّ.

5- (33) سوره الأحزاب: آیه 34.

6- «م»: + أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ.

7- «م»، «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا! مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُجِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَاسْتَعْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيٌّ (1): إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَزْنَا (2) شِيعَتُنَا وَرَبَّ الْكُعْبَةِ.

فَقَالَ (3) النَّبِيُّ ثَانِيًّا (4): يَا عَلِيُّ! وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُجِبِّينَا، وَفِيهِمْ

ص: 68

1- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

2- «م»: فَارَزْتُ.

3- «ق»، «ع»: أَبِي.

4- «م»: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبٌ حَاجَةً إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ: (1) إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا، فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبُّ (2) الْكَعْبَةِ.

ص: 69

1- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

2- «ق»، «ع»: بِرَبِّ.

بسند صحیح عن جابر بن عبد الله الانصاری رضی الله عنه

(1)

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

(2)

عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ

(3)

دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ السَّلَامُ

(4)

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ إِنِّي أَجِدُ

(5)

فِي بَدَنِي ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ

(6)

ص: 71

-
- 1- بسند صحیح عن جابر بن عبد الله الانصاری رضی الله عنه به سند صحیح
 - 2- از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر خدا صلی الله
 - 3- علیه و آله و سلم روایت کرده ؛ گوید: از حضرت فاطمه شنیدم فرمود:
 - 4- روزی پدرم رسول خدا نزد من آمد و فرمود: سلام
 - 5- بر تو ای فاطمه! عرض کردم: سلام بر شما. فرمود: در بدتم احساس
 - 6- ضعف و ناتوانی می کنم. به ایشان گفتم: پدرم! شما را به خدا می سپارم

مِنَ الضَّعْفِ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ ائْتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي

(1)

فَغَطَّيْنِي بِهِ فَاتَّيْتُهِ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَغَطَّيْتُهُ بِهِ

(2)

وَصَبْرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ

(3)

فِي لَيْلِهِ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا

(4)

بِوَالِدِي الْحَسَنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ

(5)

فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا فَرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ

(6)

يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ

(7)

ص: 72

-
- 1- از ضعف و ناتوانی. فرمود: ای فاطمه! عبا یمنی را برایم بیاور
 - 2- و مرا با آن بپوشان. من عبا یمنی را برای ایشان آوردم و ایشان را با
 - 3- آن پوشاندم و مشغول نگرستن به ایشان شدم، چهره ایشان مانند ماه
 - 4- در شبی که تمام و کامل است، می درخشید. لحظه ای بیش نگذشت که
 - 5- فرزندم حسن داخل شد و گفت: سلام بر شما ای مادر.
 - 6- گفتم: و سلام بر تو ای نور چشمم و میوه دلم. سپس گفت:
 - 7- نزد شما بوی خوشی را احساس می کنم، گویا بوی

جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ

(1)

جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ

(2)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ

(3)

مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي

(4)

وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُ

(5)

تَحْتَ الْكِسَاءِ فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلِدِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(6)

قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ

(7)

ص: 73

-
- 1- جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. گفتم: آری، همانا
 - 2- جدت در زیر عبا آرمیده است. آنگاه حسن به سوی عبا رفت و گفت:
 - 3- سلام بر شما ای جت من و ای پیامبر خدا به من اجازه می دهید تا همراه
 - 4- شما به زیر عبا وارد شوم؟ حضرت فرمودند: سلام بر تو ای فرزندم
 - 5- و ای صاحب حوض من. آری به تو اجازه دادم. پس او با آن حضرت
 - 6- به زیر عبا رفت. لحظه ای بیش نگذشته بود که فرزندم حسین
 - 7- از راه رسیده و گفت: سلام بر شما ای مادر! گفتم: و سلام بر

السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا فَرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ لِي

(1)

يَا أُمَّهُ إِنِّي أَسْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي

(2)

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ

(3)

وَإِخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَدَنَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ:

(4)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ

(5)

أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ

(6)

السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

(7)

ص: 74

-
- 1- تو ای فرزندم! ای نور دیده ام و میوه دلم. پس به من گفت :
 - 2- ای مادر! بوی خوشی را نزد شما احساس میکنم ؛ گویا بوی جدم
 - 3- رسول خدا صلی الله علیه و آله است. گفتیم : آری، همانا جد
 - 4- و برادرت زیر عبا هستید. پس حسین نزدیک عبا شد و عرضه داشت :
 - 5- سلام بر شما ای جت من. سلام بر شما ای برانگیخته شده خداوند!
 - 6- به من اجازه میدهید در زیر عبا همراه شما باشم؟ فرمودند : سلام
 - 7- بر تو ای فرزندم و ای شفاعت کنند؛ امتم، آری به تو اجازه دادم. او نیز

مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ

(1)

أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ

(2)

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ

(3)

يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي

(4)

وَأَبْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ نَعَمْ هَاهُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ

(5)

تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

(6)

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنِي لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ

(7)

ص: 75

-
- 1- همراه آن دو، وارد عبا شد. در این هنگام ابوالحسن علی بن
 - 2- ابی طالب وارد شده و فرمود: سلام بر تو ای دختر رسول خدا. گفتم:
 - 3- و سلام بر تو ای ابوالحسن و ای امیرالمؤمنین. پس فرمود:
 - 4- ای فاطمه بوی بسیار نیکویی نزد شما احساس میکنم گویا بوی برادرم
 - 5- و پسر عمویم رسول خداست. گفتم: آری، ایشان به همراه دو فرزندت
 - 6- زیر عبا هستند حضرت علی رو به سوی عبا کرد و عرض نمود: سلام بر
 - 7- تو ای رسول خدا آیا اجازه می فرمایید در زیر عبا با شما همراه باشم؟

قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي

(1)

وَصَاحِبِ لِيُوَائِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ

(2)

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ

(3)

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ

(4)

قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بَنِيَّ وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

(5)

فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ

(6)

أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بَطْرَفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَىءَ بِيَدِهِ الْيَمْنَى

(7)

ص: 76

-
- 1- پیامبر به او فرمود: سلام بر تو ای برادر و ای جانشین و ای خلیفه من
 - 2- و ای پرچم دار من ، آری به تو اجازه دادم. حضرت علی نیز وارد عبا شد
 - 3- سپس من به سوی عبا آمدم و عرض کردم: سلام بر شما ای پدرم
 - 4- ای رسول خدا! آیا به من اجازه می دهید که در زیر عبا همراه شما باشم؟
 - 5- فرمود: سلام بر تو ای دخترم و ای پاره تنم! آری به تو اجازه دادم.
 - 6- من نیز به زیر عبا داخل شدم. چون همگی ما زیر عبا قرار گرفتیم
 - 7- پدرم رسول خدا دو طرف عبا را گرفته و با دست راستش به سوی

إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي

(1)

وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي لِحَمَّتِهِمْ لِحَمِي وَدَمَّتِهِمْ دَمِي

(2)

يُؤَلِّمَنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ وَيُخْزِنُنِي مَا يَخْزِنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ

(3)

لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَلِّمْ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُّ لِمَنْ

(4)

عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ

(5)

فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعُفْرَانِكَ

(6)

وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ

(7)

ص: 77

-
- 1- آسمان اشاره کرد و عرض نمود: خدایا اینان خاندان من و نزدیکان ویژه من
 - 2- هستند گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است مرا به درد آورد
 - 3- آنچه ایشان را به درد آورد و مرا اندوهگین کند آنچه ایشان را اندوهگین کند
 - 4- در ستیزم با هرکس با ایشان در ستیز باشد و در صلح و آشتی ام با هرکه با
 - 5- ایشان در صلح باشد و دشمنم با دشمنان ایشان و دوستدار دوستان ایشان
 - 6- هستم. اینان از من هستند و من از ایشان هستم. بارالها! درودها و برکت ها و
 - 7- رحمت و آمرزش و رضوان خودت را بر من و ایشان قرار ده و هرگونه ناپاکی

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأَيْكُنِي

(1)

وَيَسْكُنَانَ سَمَاوَاتِي إِلَيَّ مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً

(2)

وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً

(3)

وَلَا فَلَكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فَلَكَاً تَسْرِي

(4)

إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ

(5)

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ

(6)

فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ

(7)

ص: 78

- 1- را از ایشان دور کن و ایشان را به طور ویژه پاک گردان . پس خداوند
- 2- عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم! همانا من
- 3- نیافریدم هیچ آسمان برافراشته و زمین هموار و ماه روشن و خورشید
- 4- درخشنده و فلک گردان و رود و دریای جاری و هیچ کشتی حرکت
- 5- کننده ای را مگر به خاطر دوستی این پنج تن که زیر این عبا گرد آمده اند
- 6- جبرئیل امین عرض کرد: ای پروردگارا! چه کسانی در زیر عبا هستند؟
- 7- خداوند عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و گنجینه رسالت اند ،

هُم فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا فَقَالَ جِبْرَائِيلُ

(1)

يَا رَبِّ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ

(2)

سَادِسَا؟ فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبْطِ الْأَمِينُ

(3)

جِبْرَائِيلُ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ

(4)

الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيُحْصِكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْأَعْرَامِ

(5)

وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً

(6)

مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا

(7)

ص: 79

1- ایشان فاطمه اند و پدرش و شوهرش و دو فرزندش . پس جبرئیل عرض

2- کرد: پروردگارا آیا به من اجازه میدهی تا به زمین فرود آیم تا

3- ششمین ایشان باشم؟ خدا فرمود: آری ، به تو اجازه دادم. آنگاه جبرئیل

4- امین به زمین فرود آمد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا

5- خداوند برتر و والا به شما سلام می رساند و شما را به درود و اکرام

6- ویژه داشته و به شما می فرماید: به عزت و جلالم سوگند! هیچ آسمان

7- برافراشته و زمین گسترده و ماه تابنده و خورشید

مُضِيَّةً وَلَا فَلَكَ يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَ يَسْرِي

(1)

إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَقَدْ أذِنَ لِي أَنْ أَدْخَلَ مَعَكُمْ

(2)

فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ

(3)

السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

(4)

جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِأَبِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ

(5)

أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ

(6)

الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

(7)

ص: 80

-
- 1- درخشنده و فلک گردان و دریای جاری و هیچ کشتی حرکت کننده ای را نیافریدم
 - 2- مگر به خاطر شما پنج تن و دوستی شما. و مرا نیز اجازه داد تا همراه با شما
 - 3- داخل در عبا شوم. ای رسول خدا به من اجازه می دهید؟ رسول خدا فرمود:
 - 4- سلام بر تو ای امانت دار وحی خدا، آری به تو اجازه دادم. پس جبرئیل همراه
 - 5- ما به زیر عبا داخل شد. سپس به پدرم عرض کرد: خداوند به سوی شما وحی
 - 6- نموده، می فرماید: همانا خدا اراده کرده است هرگونه ناپاکی را از شما
 - 7- خاندان دور کند و شما را به طهارتی ویژه مخصوص دارد.

فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي يَارَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسِنَا

(1)

هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

(2)

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا

(3)

مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ

(4)

الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ

(5)

عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ

(6)

لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَّ

(7)

ص: 81

- 1- پس حضرت علی به پدرم عرض کرد: ای رسول خدا! به من خبر دهید که
- 2- برای این گردهمایی ما نزد خداوند چه فضیلتی است؟ پیامبر فرمود: سوگند به
- 3- آن کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت برگزید، خبر
- 4- گرد آمدن ما در زیر این عبا در هیچ محفلی از محافل اهل زمین که در آن
- 5- جمعی از شیعیان و دوستان ما گرد آمده باشند ذکر نشود مگر اینکه رحمت بر
- 6- ایشان فرود آمده و فرشتگان آنان را در بر گرفته و برای آنها استغفار می کنند
- 7- تا وقتی که پراکنده شوند. پس حضرت علی فرمود: بنابراین به خدا قسم

شيعتنا ورب الكعبة، فقال النبي ثانياً يا عليُّ

(1)

والذي بعثني بالحق نبياً واصطفاني بالرسالة

(2)

نجياً ما ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل

(3)

أهل الأرض وفيه جمع من شيعتنا ومحبينا

(4)

وفيهم مهموم إلا وفرح الله هممه ولا مغموم

(5)

إلا وكشف الله غممه ولا طالب حاجة إلا

(6)

وقضى الله حاجته فقال عليُّ عليه السلام إذا والله فؤنا

(7)

ص: 82

- 1- رستگار شدیم و به خدای کعبه سوگند شیعیان ما نیز رستگار شدند. آن گاه
- 2- پیامبر بار دیگر فرمود: ای علی سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری
- 3- برانگیخت و به رسالت برگزید خبر گرد آمدن ما در زیر این عبا، در هیچ
- 4- محفلی از محافل زمینیان که جمعی از شیعیان و دوستان ما در آن گرد آمده
- 5- باشند ذکر نشود، در حالی که در میان آنان اندوهگینی باشد، مگر اینکه خداوند
- 6- اندوه او را برطرف سازد و غمگینی نباشد مگر اینکه خداوند غم را از او
- 7- بردارد و نیازمندی نباشد مگر اینکه خداوند حاجتش را برآورد آنگاه حضرت

وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَارْزُوا وَسُعِدُوا

(1)

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبِّ الكَعْبَةِ

(2)

ص: 83

1- علی فرمود: به خدا سوگند! ما رستگار و سعادت‌مند شدیم همچنان شیعیان ما .

2- سوگند به خدای کعبه! شیعیان ما در دنیا و آخرت رستگار و سعادت‌مند شدند .

برای خواندن حدیث شریف کسا، طهارت لازم نیست؛ ولی برای نتیجه‌گیری بهتر، خوب است با طهارت ظاهر و باطن، توجه و حضور قلبی، رو به قبله و با ایمان و اعتقاد به استجاب دعا، خوانده شود.

خواندن حدیث شریف کسا دارای ثواب و اجر معنوی بسیار می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

فرود آمدن رحمت الهی، زیرا از مجالس احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) و ذکر فضائل آنان است، گرد آمدن فرشتگان در آن مجلس و درخواست آمرزش فرشتگان از خداوند برای خوانندگان دعا تا هنگامی که دعا تمام شود، برطرف شدن غم و اندوه و پریشانی از خوانندگان این حدیث شریف، برآورده شدن حاجت‌های خواننده این دعا از جانب خدای تعالی و رستگاری دنیا و آخرت.

بر مؤمنان و موالیان حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است که به وسیله انس با مجالس توسّل و ذکر فضائل و مناقب ائمه اطهار (علیهم السلام) و توسّلات وارد شده از جانب آنها، ارتباط خود را با آن حضرات، هر چه بیشتر نموده و مانند مجالس دعاها و ندبه، توسّل و کمیل و زیارت های عاشوراء، آل یاسین و جامعه کبیره که بحمدالله تعالی در مساجد و حسینیه ها و خانه ها از رونق خوبی برخوردار است، جلسه هایی تشکیل داده و این حدیث شریف را زمزمه نموده و از درگاه خداوند متعال رفع گرفتاری ها، به ویژه درخواست تعجیل فرج اعلی حضرت آیه الله العظمی، ولی الله الأعظم و صاحب الأمر، الحجّة بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شفا و بهبودی عاجل بیماران را درخواست نمایند.

امید است مؤمنان و خوانندگان محترم، این کمترین شیفته

خاندان عصمت و طهارت (عليهم السلام) را از دعای خیر فراموش نکنند.

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَايِّهَا وِبَعْلِهَا وِبَنِيهَا

وَالسِّرِّ الْمَسْتَوْدَعِ فِيهَا، عَجِّلْ لَوْلِيَّتِكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالتَّصْر.

تمام شد در سحرگاه جمعه 23 شعبان المعظم 1417 هـ.

و الحمد لله رب العالمين.

حیدر حسین الترتبی الكربلائی

ص: 87

عن الامام حسن زكي عسكري عليه السلام نحن حجج الله على خلقه و جدتنا فاطمة حجة الله علينا

امام حسن زكي عسكري عليه السلام فرمودند:

ما امامان حجت هاي خدا بر آفريدگان او هستيم وجد ما حضرت فاطمه حجت خدا بر ماست

طيب البيان في التفسير القرآن ج12 ص 225

ص: 88

الذّكر الحكيم: كلام الله تبارك و تعالی.

نهج البلاغة: امام اميرالمؤمنين علي (عليه السلام) (شهيد در سال ٤٠ هجري).

اطيب البيان في تفسير القرآن: سيّد عبدالحسين طيّب متوفاي قرن 15 هجري، انتشارات اسلام .

اعلام الدّين في صفات المؤمنين، شيخ حسن بن أبي الحسن واعظ ديلمي، متوفاي قرن هشتم هجري، چاپ مؤسّسة آل البيت(عليهم السلام).

امل الآمل في علماء جبل عامل، شيخ محمّد بن الحسن حرّ عاملي (ت1104ه.ق)، مكتبة الأندلس بغداد 1385.

ص: 89

ارشاد القلوب الي الصواب، شيخ حسن بن ابي الحسن واعظ ديلمي، متوفاي قرن هشتم هجري، نشر دار الأسوة.

جزة العاصمة در تاريخ ولادت و حالات حضرت فاطمة سلام الله عليها: سيد حسن ميرجهاني (ت1413ه.ق)، نشر كتابخانه صدر تهران 1389.

غور الاخبار و درر الآثار في مناقب أبي الأئمة الأطهار (عليهم السلام): شيخ حسن بن ابي الحسن واعظ ديلمي، متوفاي قرن هشتم هجري، نسخه خطي دانشگاه تهران و چاپ مكتبة العلامة المجلسي 1427.

المنتخب الكبير في المراثي و الخطب: شيخ فخرالدين بن محمد علي بن احمد طريحي نجفي (ت1058ه.ق) طبع بيروت.

آية التطهير في أحاديث الفريقين: سيد علي موحد ابطحي معاصر، چاپ سيد الشهداء (عليه السلام) قم .

آية التطهير في الخمسة أهل الكساء: سيّد محى الدين موسى غريفي، معاصر، چاپ العلميّة نجف اشرف 1377 هجري.

بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمّد (عليه السلام): محدّث جليل محمّد بن الحسن صفّار (ت 290ه.ق)، چاپخانه شركت 1380 هجري.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار (عليهم السلام): علامه ملا محمّد باقر مجلسي (ت 1111ه.ق)، چاپ مؤسسه الوفاء بيروت 1404 هجري.

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (عليهم السلام): سيّد شرف الدين حسيني استرآبادي (ت 940ه.ق)، مؤسسه امام مهدي عجل الله فرجه و مدرّسين قم و ارشاد اسلامي.

تكملة أمل الآمل: سيّد حسن صدر (ت 1354ه.ق)، كتابخانه سيّد مرعشي 1406 قمري .

ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربي (عليه السلام): محب الدين احمد بن عبدالله طبري (ت 694 ه.ق) مكتبة القدسي القاهرة و مؤسسه دارالكتاب الإسلامي - قم، 1428 هجري.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة: آقا بزرگ تهراني شيخ محمد محسن (ت 1389 ه.ق)، نشر اسماعيليان و اسلاميه.

زندگاني حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها: حسين عماد زاده اصفهاني، انتشارات اسلام 1375 ه.ش.

سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار: محدث قمي شيخ عباس (ت 1359 ه.ق)، چاپ دار الأسوة.

شرح احقاق الحق: سيد شهاب الدين مرعشي نجفي (ت 1411 ه.ق)، چاپ كتابخانه سيد مرعشي 1409 هجري.

الصواعق المحرقة: احمد بن حجر هيثمي شافعي (ت 974 ه.ق).

عوامل العلوم: شيخ عبدالله بحراني متوفاي قرن 12 هجري، جلد يازدهم چاپ دوم و سوم نشر مؤسسه امام مهدي عجل الله فرجه 1382 شمسي.

الكنى و الألقاب: محدث شيخ عباس قمّي (ت 1359ه.ق) نشر مكتبة الصدر تهران.

مستدرك سفينة البحار: شيخ علي نمازي شاهرودي (ت 1384ه.ق) چاپ مؤسسه بعثت تهران 1409 هجري.

مسند فاطمة الزهراء (عليها السلام): سيّد حسين شيخ الإسلامى تويسركانى، معاصر، نشر دارالقرآن الكريم قم 1412 هجري.

مسند فاطمة الزهراء (عليها السلام): محمد مهدي جعفري، معاصر، نشر مرضيه تهران 1414 هجري.

مجمع التورين و ملتقى البحرين فيما وقع من الجور علي والدة السبطين: ملا ابو الحسن مرندي (ت 1349ه.ق) با واسطه مستدرك سفينة البحار.

ص: 93

وفاة الزهراء (عليها السلام): سيد عبد الرزاق موسوي مقدم (ت 1391هـ.ق) شريف رضي 1413 هجري.

ص: 94

فهرست مطالب

عكس

□

ص: 95

از آثار فارسی مولف محترم

حلاج، مرتدی به دار آویخته

پرتو حق (پاسخ به شبهات وهابیان)

پرسش ها و پاسخ ها (جلد 1، 2، 3 و...)

پژوهشی نو و پیرامون حدیث شریف کسای یمانی

حریم و حیا (ما و نگاه مولا)

زیارات ذبیح ال محمد صلوات الله علیهم اجمعین العاشورائیه (با ترجمه فارسی)

شرح زیارت شریف جامعه کبیر (جلد 1، 2، 3...)

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله علیهم اجمعین

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله علیهم اجمعین مانسک

محبوب محبوب (ربا، حجاب، ریش تراشی، شطرنج و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت)

ص: 96

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

